

بوشهر از آغاز تاریخ تا حکومت عیلامیان

سید قاسم یاحسینی

اشاره:

پیشینه تاریخی تمدن شهر بوشهر به چندین هزار سال قبل از میلاد منتهی می‌شود. هنوز دقیقاً نمی‌توان گفت که به طور دقیق در چه زمانی شهر بوشهر در عرصه تاریخ ظاهر شده و چه قوم و یا تمدنی سنگ بنای نخستین آن را گذارده‌اند.

دستیابی به این مهم، نیاز به فراگیری چندین زبان از جمله سومری، عیلامی، آکدی، بابلی، آشوری، پهلوی، سریانی، یونانی، و مددگیری از علوم مختلفی چون باستان‌شناسی، جغرافیای طبیعی، مردم‌شناسی، زبان‌شناسی تاریخی و نژادشناسی دارد. همچنین محقق باید از روند حفاریها و کاوشهای باستانی انجام شده در نواحی ایران، ترکیه، عراق، افغانستان، پاکستان، حوزه خلیج فارس و شوروی اطلاع کامل داشته باشد. اما پژوهشهای اولیه انجام شده تا امروز، بیانگر وجود حیات و تمدن از آغازین روزهای طلوع تاریخ بر روی کره خاکی در این نواحی است.

«سر آرنولد ویلسون سیاستمدار و مورخ انگلیسی در کتاب (خلیج فارس) در این باره می‌نویسد:

«یکی از قدیمی‌ترین اماکن حوزه خلیج فارس که در کتب نخستین نیز مکرر به آن اشاره شده است شبه جزیره‌ای است که شهر بوشهر در انتهای شمالی آن واقع است»^(۱)

دستیابی به تاریخ دقیقتر از گذشته تاریخی این شهر، نیاز به حفاری، و کاوشهای باستان‌شناسانه دارد که متأسفانه بی‌جز دو مورد، یکی در سالهای ۱۸۷۷-۱۸۷۲ توسط آلمانیها^(۲) و دیگری در سال ۱۹۱۳ به وسیله فرانسویها هنوز به صورت جدی و پیگیرانه انجام نشده است. قدیمی‌ترین اسناد موجود بر وجود تمدن و شهر بزرگی در زمان بابل و عیلام را در این نواحی گزارش می‌دهند.^(۳)

ما در بررسی حاضر، ابتدای تاریخ شهر بوشهر را دوران عیلامیان فرض می‌کنیم و از این نقطه تاریخی، داستان پرفراز و نشیب این شهر را باز می‌گوییم. اما قبل از آن بد نیست بدانیم عیلامیان چه کسانی بودند.

عیلامیان:

تاریخ تمدن و فرهنگ عیلامی، پدیده‌ای نو و تازه است که شناخت، تحقیقات و بررسی آن از اواخر سده نوزدهم میلادی (سیزدهم هجری) آغاز شده است و تا امروز نیز ادامه دارد. هنوز به درستی و روشنی، نمی‌توان چهره واقعی و اولیه این تمدن را ترسیم کرد. زوایا و نقاط ابهام و آشکار نشده فراوانی در این باره وجود دارد که باید حل معمای آن را به عهده آیندگان گذاشت.

اما آنچه که با تکیه بر کاوشها، باز یافته‌ها، حفاریهای انجام شده، می‌توان گفت، این است که شروع قطعی تاریخ قوم عیلام حداقل به سی قرن پیش از میلاد می‌رسد.

«کشور عیلام شامل خوزستان و لرستان امروزی پشتکوه و کوههای بختیاری بوده است. بدین معنی که از مغرب به دجله، از مشرق به قسمتی از فارس، از شمال به کوههای بختیاری و از جنوب به خلیج فارس تا بوشهر محدود می‌شده است و در اوج عظمت از سمت مغرب به بابل، و از مشرق به اصفهان می‌رسیده است»^(۴)



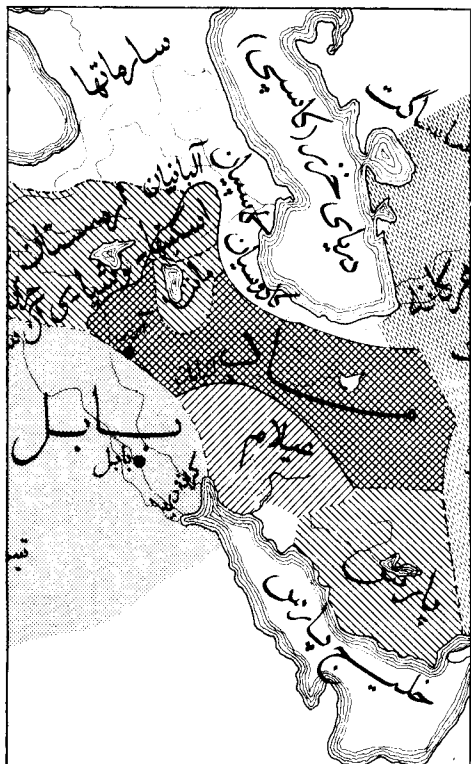
حفاری عیلامی

اگر بتوان به روایات تورات اعتماد کرد، باید عقیده داشت که قلمرو این تمدن روزگاری تا فلسطین نیز گسترش داشته است.^(۵) مرکز عیلام، سوزیانا یا شوش امروزی بود و نژاد مردمان آن قفقازی یا خزری حدس زده می‌شود.^(۶)

کاوشهای باستانی تاریخ عیلام در بوشهر

«موریس پزارا محقق، مورخ و باستان‌شناس فرانسوی، در سال ۱۹۱۳ به همراه گروهی باستان‌شناس، تحقیقات وسیع و پردامنه‌ای در نواحی سبزآباد، ری‌شهر، بهمینی بوشهر و شهر تاریخی سیراف انجام داد. وی در این کاوشها موفق به کشف چندین ساختمان آجری، لوح و کتیبه متعلق به پادشاهان عیلامی و همچنین ظروف سفال و عقیق و اشیاء فلزی شد. موریس پزارا حاصل این تحقیقات را به سال ۱۹۱۴ به زبان فرانسه در پاریس تحت عنوان «هیئت بندر بوشهر» منتشر ساخت.^(۷)

این کتاب مشتمل بر ۹۹ صفحه و یک مقدمه است. فصل اول تحت عنوان حفاریات در بندر بوشهر است و در فصل دوم از سفال و کاشیهای مکشوفه در ویرانه‌های تپه سبزآباد و قلعه ری‌شهر گفت و گو شده است. در فصل سوم از ابزار سنگی و فلزی مکشوفه در تپه سبزآباد و قلعه ری‌شهر و در فصل چهارم از شناسایی مشخصات باستان‌شناسی شبه‌جزیره بوشهر سخن رفته است. در قسمت دوم کتاب از آجرهای ایلامی مربوط به شاهان ایلام که در تپه سبزآباد پیدا شده و عکسها و مشخصات و توضیحات آنها و در خصوص شاهان عیلامی که در شبه جزیره بوده‌اند و ترجمه نوشته‌های عیلامی به زبان



فرانسوی بحث شده است. (۸) کتاب مورس پزار، بعدها منبع یگانهای برای باستان شناسان و مورخینی همچون جورج کامرون، رومن گریشمن، پیرامیه، لوئی و اندربرگ، احمد اقتداری، داندامایوف و دیگونف شد. کلیه این افراد، هرگاه که درباره بندر تاریخی (لیان) و یا قلمرو عیلامیان در نواحی جنوب غربی ایران مطالبی نوشته‌اند، مأخذشان بلااستثنا کتاب مورس پزار است. ظاهراً اولین محقق و نویسنده ایرانی که گزارشی از تحقیقات باستان‌شناسی در کتابش دارد، حاج میرزا حسن حسینی فسائی در جلد دوم فارسنامه ناصری است. وی در این باره می‌نویسد:

«در سال ۲۹۳ ق. حکیم اندراس پروشی آلمانی، زمین جانب شرقی این شهر خراب را شکافت، شالوده و بنیان عمارتی را دید و آجرهایی که در این عمارت به خرج رفته بود. بعضی را برصفحه و بعضی را برکناره خط قدیم نوشته بودند و در بعضی استخوان پوسیده و در بعضی خاک بود، از زیرزمین درآورد و می‌گفت در ۲ هزار ۳ هزار سال قبل، مردم این نواحی مرده‌های خود را در این خمرها کرده، دفن می‌کردند و برحاشیه هر خمره خطی نوشته بودند و می‌گفت این خط نام مرده و تاریخ مردن اوست. اللهم اعلم» (۹)

تاریخ شهر لیان

در زمان عیلامیان، در حدودی که امروز به بوشهر معروف است، شهری بزرگ و با عظمت بنا شده که (لیان) نام گرفت. لیان واژه‌ای است عیلامی که (آفتاب درخشان) معنا می‌دهد. این واژه لیان تقریباً به همین معنا وارد زبان فارسی دری شده است. محمد حسن خلف تبریزی، دانشمند لغت شناس معروف در کتاب «برهان قاطع» در باره معنی این واژه می‌نویسد: «لیان، به فتح اول بروزن کیان» به معنی درخشان و تابان باشد و به معنی فروغ آینه و تیغ هم هست، و روشنایی و فروغ را نیز گویند که از پی یکدیگر به درخشند، و به کسر اول هم آمده است.» (۱۰)

خاقانی شاعر قرن نیز در شعری، لیان را به همین معنی آورده است:

جیشید کیانی نه که خورشید لیانی
کز نوعیانی همه رخ عین سنانی (۱۱)

موقعیت لیان و وسعت اولیه و مناطق تحت سیطره آن، هنوز کاملاً بر ما روشن نشده است و نمی‌دانیم که این شهر تا چه حدودی گسترش داشته است. اما به یقین می‌توان گفت که لیان یکی از شهرهای مهم عیلامیان بوده است که در ناحیه جنوب شرقی و در کنارهای ساحلی خلیج فارس امتداد داشت و مرکز اصلی آن شبه جزیره کنونی بوشهر بوده است. (۱۲) شهر عیلامی (لیان) مدخل ورودی اقیانوس هند، دریای عمان و خلیج فارس و یکی از بنادر مهم صادراتی محسوب می‌شده است و مورد توجه فراوان بوده است. (۱۳)

لیان از چندین نظر برای پادشاهان عیلامی مهم بوده است و همواره سعی در نگاهداری و حکمرانی آن داشتند:

- ۱- موقعیت سوق الجیشی و استراتژیکی لیان .
- ۲- بندری بودن این شهر.
- ۳- نزدیکی به تنگه معروف هرمز .
- ۴- موقعیت مساعد و مناسب برای ایجاد راه آبی جهت صادرات و تجارت با هندوستان.

پادشاهان عیلامی در شهر لیان، ساختمانها، معابد و پرستشگاههای فراوانی بنا کردند که در عصر خود مهم و با شکوه به شمار می‌رفته است.

مذهب و خداپرستی در لیان

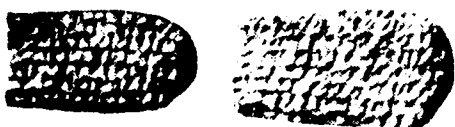
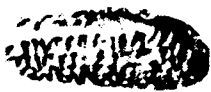
مردم شهر لیان بسان بسیاری از مردمان معاصر خود، به چند خدایی و پرستش نیروهای طبیعی و خداوندان و رب النوعهای متعدد و گوناگون می‌پرداختند. آنان برای هر قدرتی، خداوند گاری قائل بودند. از جمله معروفترین و قدرتمندترین خدایان شهر لیان- و به طور کلی عیلامیان- (هوبان Huban) (اینشوشیناک) Inshushinak و (کیریریشا Kiririsha) را می‌توان نام برد. (۱۴)

همچنین عیلامیان پادشاهان و حکمرانانشان را به مقام خدائی رسانیده و آنان را مورد پرستش و ستایش قرار می‌دادند. (۱۵) اهالی شهر لیان نیز از این عمل پیروی می‌کردند. خدای اختصاصی و ایزد بانوی شهر لیان (کیریریشا) بود. پرستش این خدای زن در سرتاسر خاک عیلامی رواج داشته است و صدها تندیس گلی

کوچک این ایزد با نوکه در جریان خاکبرداری‌های شوش پیدا شده‌اند، حکایت از آن دارند که همه مردم عیلامی واقعاً و از سر صدق او را می‌پرستیدند. (۱۶) کلیه پادشاهان عیلامی وی را محترم می‌شمردند و در سوگند نامه‌ها و لوحه‌های خودوی را به بزرگی ستانیده و خواهان حمایت و پشتیبانی ایشان بودند. (۱۷) پادشاهان عیلامی از دیرباز، معابد و پرستشگاههای متعدد و فراوانی برای خدایان شهر لیان در این شهر بنا کردند. در سطور آینده ما ضمن شرح حکمرانی پادشاهان عیلامی در شهر لیان از مقامات مذهبی آنان بیشتر سخن خواهیم گفت:

زبان و فرهنگ مردم لیان

قدیمی‌ترین کتیبه و نوشتنهای که تاکنون از پادشاهان



الواح عیلامی

عیلامی در شهر لیان کشف شده است، متعلق به (ناپی- ایلخوش) است. این پادشاه احتمالاً معاصر با سارگن فرمانروای (آکد) بوده است. کتیبه به دست آمده به خط سومری است، و این نشان‌دهنده تأثیر و نفوذ خط و تمدن و فرهنگ سومری بر عیلامیان است. جورج کامرون، مورخ و باستان‌شناس شهیر آمریکایی و یکی از متخصصان برجسته و خیره تاریخ عیلام، در این باره می‌نویسد: «سرانجام مردم عیلام نوشتار سومری را پذیرفتند و آن را برای نوشتن واژگان زبان خود به کار بردند. نشانه‌های این نوشتار دوره به دوره، واژه‌هایی را که در ناحیه بابل کاربرد داشتند، نیال می‌کردند. ببادآوری از روی این زمینه، نوشتنهای که در بوشهر در کرانه خلیج فارس پیدا شده است... نشان می‌دهد که نوشتار سومری در دورهای که تا اندازه‌ای مقدم بر روزگار سارگن، فرمانروای آکد بود، در عیلام به کار رفته است. (۱۸) این مطلب نشان می‌دهد که خط و نوشتار سومری قبل از پادشاهی (ناپی- ایلخوش) در شهر لیان رواج داشته است و طبقه دانشمندان و باسواد از این خط و کتابت در نوشته‌ها، لوحه‌ها و کتیبه‌ها، استفاده می‌کردند. البته بعدها عیلامیان خود خط مستقلی ابداع و اختراع کردند و حتی تا زمان مادها و هخامنشیها نیز از آن استفاده می‌شده است، اما چون ربطی به بحث فعلی ما ندارد از گفتگو درباره آن خودداری می‌شود.

کشمکش سیاسی و نظامی بر شهر لیان

در زمان پادشاهی مانیسوسو Manistusu- یکی از پادشاهان مهاجم علیه عیلام- به قلمرو حکومت عیلامیان، لشکرکشی نظامی شد. مانیسوسو از طریق خلیج فارس و



مجسمه ناقص مفرغی ملکه عیلام

لیان به قلمرو پادشاهی عیلامیان یورش برد و پادشاه عیلام را شکست داده و با خود به بابل برد. با تحمیل این شکست بر عیلامیان، راه برای حمل و تجارت سنگ با ارزش و گران قیمت «دیوریت» Diorite از طریق لیان و خلیج فارس باز شد. (۱۹) تا مدت زمانی چند، شهر لیان زیر سیطره و حکومت پادشاهی بابل بود. در زمان حکمرانی پادشاهی هوبان - نومنا Huban-Numdnal دوباره شهر لیان جزء قلمرو عیلامیان درآمد.

لیان در زمان پادشاهی هوبان-نومنا

هوبان-نومنا، پادشاهی بسیار توانا و قدرتمند بود. در آجرها و کتیبه‌های به دست آمده در حفاری‌های سال ۱۹۱۳

میلاد حکمرانی می‌کرده است، علاوه بر تجدید بنای معبد فوق، پرستشگاه مشترکی نیز برای هوبان و کیریریشا بنا کرد. وی چندین معبد دیگر نیز در لیان و خارج از لیان ساخت. (۲۲)

وضعیت زنان در شهر لیان:

نکته جالب توجهی که در اینجا باید به آن اشاره کرد، موقعیت ممتاز و برجسته زن در شهر لیان است. زن به اندازه‌ای در نظر مردم ارجمند بود که پسران پادشاهان به مقام خدایی می‌رسید و حتی پادشاهان از وی طلب کامیابی و پیروزی می‌کردند. زن در شهر لیان و عموماً در تمدن عیلام کاملاً آزاد بود. «زن نیز مانند مرد اسناد امضاء می‌کرد، به دادوستد می‌پرداخت،

بی‌شک یک عقیده مذهبی بوده است. می‌توان حدس زد عیلامیان و مردم شهر لیان خاک را مقدس می‌دانستند و برای جلوگیری از آلودگی آن مردگان خود را در خمره و کوزه می‌گذاشتند و دفن می‌کردند. شاید عقیده تقدیس خاک در دین زردتشت نیز ملهم از عقاید مذهبی عیلامیان باشد. از کاوشهایی که این‌جانب در سال ۱۳۶۸ در قبرستان شغاب انجام دادم، مشخص شد که مردم لیان مردگان خود را به طرف یا جهت خاصی دفن نمی‌کردند و به اصطلاح قبله نداشتند. کوزه‌های فراوانی روی یکدیگر و در جهتهای مختلف انباشته شده است. در برخی از کوزه‌ها تخم گیاهان وجود دارد که شاید بیانگر اعتقاد تقداللیانین

به دنیای پس از مرگ و استفاده از گیاه مزبور در آن عالم باشد. درون کوزه‌ها معمولاً قیراندود شده و این به خاطر جلوگیری از نفوذ آب و رطوبت به داخل کوزه است. اهالی شهر لیان قیر مورد نیازشان را از فاصله صد کیلومتری وارد می‌کردند. کاوشهای سالهای اخیر در منطقه دالکی دشتستان، چند حلقه قیر را نشان داده است. این قیرها به مناطق مختلف از جمله شهر لیان برده می‌شده است. رنگ کوزه‌ها غالباً نخودی است اما تکه‌های کوچک و بزرگ به رنگهای فیروزه‌ای و سبز نیز مشاهده می‌شود. احتمال دارد کوزه‌های اخیر متعلق به دوره متأخر ساسانی باشد. در گوشه‌ای از قبرستان «شغاب» تپه‌ای به ارتفاع تقریبی یک متر و نیم به چشم می‌خورد که فسیل جمجمه و سایر اعضای بدن انسان است، و این حکایت از وقوع قتل عام دهشتناکی در این ناحیه دارد. همچنین در گوشه دیگر قبرستان، یک حلقه قنات پر شده توجه را جلب می‌کند. از این قنات شاید در سستوشوی جسد مردگان و یا سایر مراسم دفن، استفاده می‌شده است. از بزرگی قبرستان شغاب (ده هکتار) می‌توان جمعیت و عظمت این شهر را حدس زد.

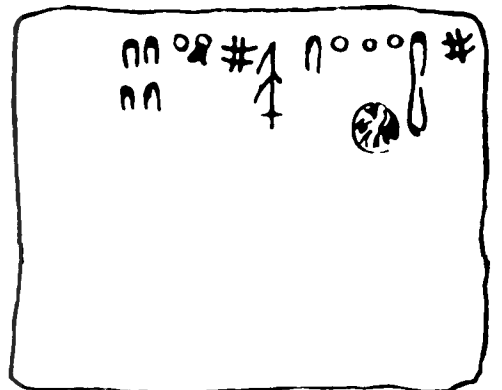
اقتصاد شهر لیان:

همانطور که گذشت، بندر لیان شهری تجاری بوده و در بندرگاه آن کشتیهای کوچک و بزرگی پهلو می‌گرفتند. دولت عیلام از طریق این بندر کالاها و مواد مورد نیاز را وارد و صادر می‌کرد. از جمله موادی که از این بندر به سوی بابل صادر شده است، سنگ قیمتی (دیوریت) و کانیهای گرانها بوده است. (۲۵)

صید ماهی و ماهیگیری را نیز باید جزء شکل سنتی ساحل‌نشینان شهر لیان محسوب کرد. همچنین اقتصاد کشاورزی این شهر نیز در خور تأمل و بررسی است. مردم لیان، یک سلسله قنات به صورت مورب از جنوب شرقی به سمت شمال غربی منتهی به دریا حفر کرده بودند که آب نوشیدنی و کشاورزی خود را از مناطقی که منشاء آن هنوز بر ما روشن و معلوم نیست، می‌آوردند. بقایای قناتهای حفر شده در مناطق بهمنی، دواس و شغاب امروزی قابل مشاهده است. شکل و فرم قناتهای فوق جالب و دیدنی است. برعکس سایر قناتها سر و بدنه اینها مربع بوده است و معمولاً ۲ در ۲/۵ متر طول و عرض سر و بدنه آن است. ارتفاع قناتها به دلیل مرور زمان و پیشرفت آبهای زیرزمینی چندان روشن نیست. انتهای قناتها در قبرستان «شغاب» است که در بخش گذشته توضیح مختصری درباره آن دادیم.



یک سند اقتصادی عیلامی - پایان هزاره سوم ق.م.



ارث می‌برد، وصیت می‌کرد که پس از مرگش چگونه به تقسیم مرده ریگ او بپردازند، دادخواست به دادگاه می‌آورد و برده نگه می‌داشت. (۲۳) رسم چند همسرگزینی یا تعدد زوجات رایج و حتی ازدواج خواهر با برادر مرسوم بوده است. (۲۴)

طریق دفن مردگان در شهر لیان

در فاصله ده کیلومتری جنوب غربی مرکز بوشهر در کرانه خلیج فارس، منطقه وسیعی است به وسعت تقریبی ۱۰ هکتار، که در زبان محلی به (شغاب) معروف است. شغاب واژه تحریف‌شده (جغاب) است که لغتی است عیلامی و احتمالاً به معنای «تپه روی آب». جغاب قبرستان شهر لیان بوده است. بررسیهای به عمل آمده توسط اداره فرهنگ و ارشاد اسلامی استان بوشهر، نشان می‌دهد که این قبرستان متعلق به زمان عیلامیان بوده است و در آن اشیاء و آثاری چند از جمله یک تابوت سنگی کشف شده است. ظاهراً مردم لیان، مردگان خود را پس از فوت، بلافاصله دفن نمی‌کردند. جسد مرده را برای مدتی در هوای آزاد می‌گذاشتند تا گوشت آن از بین رفته و اسکلت عریان بر جای مانده سپس اسکلت عاری از گوشت را به صورت «هوگر»، «جمباته» درون خمره‌های سفالین بزرگ و یا کوچک به شکل قاعده استوانه‌ای و بدنه پهن استوانه‌ای و نخودی رنگ جای داده و در زمین دفن می‌کردند. رسم دفن مردگان در خمره

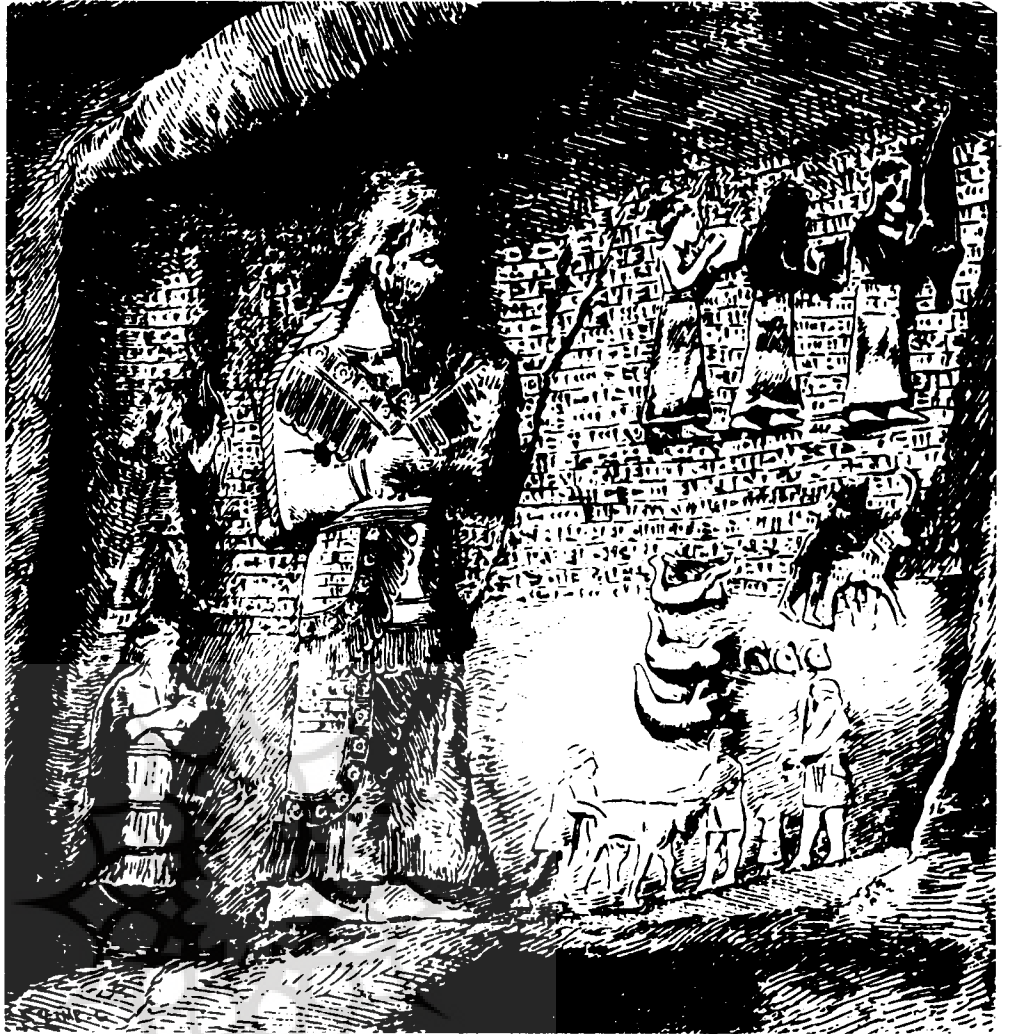
در بوشهر، چندین بار از این پادشاه مقتدر نام برده شده است. هوبان-نومنا در یکی از این کتیبه‌ها از کیریریشا ایزدبانوی شهر لیان، یاری می‌جوید و به پاس سلامتی زانش (می‌شیمرو Mishimruh و ری‌شاپانلا Rishapanla) پرستشگاهی در شهر لیان می‌سازد. وی در کتیبه‌ای از ایزد بانوی شهر لیان می‌خواهد که زندگی خوش و باسرور و پادشاهی آرام و امنی به او ارزانی دارد. (۲۰)

لیان و شوتروک - ناخوتنه

شوتروک - ناخوتنه (حدود سالهای ۱۱۷-۱۲۰۷ پیش از میلاد) جانشین هوبان-نومنا، معبد ساخته او را تجهیز و تجدید بنا کرد و آن را به کیریریشا تقدیم کرد. (۲۱) در زمان پادشاهی این سلطان، قلمرو عیلام به حد نهایی گسترش خود رسید و عصر طلائی عیلام آغاز شد.

شیلهاک - اینشوشیناک و شهر لیان

معبدی که نومنا ساخت بر اثر وجود رطوبت و گرمی هوا خیلی زود رو به ویرانی گذاشت. با به قدرت رسیدن شیلهاک - اینشوشیناک، جانشین شوتروک-ناخوتنه، مجدداً معبد شهر لیان روبه ویرانی رفت. وی با آجر (آری تو) ERITU برای بار سوم پرستشگاه کیریریشا را مرمت کرده و آن را به الهه شهر لیان تقدیم کرد. شیلهاک - اینشوشیناک که در (۱۱۶۵-۱۱۵۱) قبل از



یکی از خدایان عیلام

کشاورزان لیانی علاوه بر خرما، به کشت انجیر و انگور نیز مباحثت می کردند. پول و مسکوکات در اقتصاد و بازرگانی بازار لیان رواج نداشته است. در حفاریهای چند سال قبل در شهر شوش، سندی به دست آمد که یکی از اهالی این شهر به بحرین رفته و در قبال ارائه طلا و نقره گوسفند دریافت داشته است. به احتمال قوی این سیستم معاملاتی در لیان نیز رواج داشته است.^(۲۶)

انجام شهر لیان:

شهر لیان تا زمان پادشاهی شیلهاک - اینشوشیناک جزء قلمرو عیلامیان محسوب می شد. اما با روی کار آمدن (هوته لودوش - اینشوشیناک) در پس از ۱۱۵۰ پیش از میلاد شهر لیان به دست بابلیها افتاد و جزء قلمرو پادشاهی آنان شد. ^(۲۷) کشمکش بر سر حکمرانی این شهر چندی ادامه داشت و چند بار با عیلام دست به دست شد تا سرانجام. نبود که نصیریکم (بختالنصر) در حمله‌ای گسترده و وسیع شهر تاریخی لیان را با خاک یکسان کرد و همه مردمان آن را از دم تیغ گذراند: «وی سرزمین عیلام را تسخیر کرد و دارایی آن را غارت کرد. وی دشت و کوه را از ویرانی انباشت و به بیابان مبدل ساخت.»^(۲۸)

و بدین ترتیب طومار زندگی و حیات تاریخی شهر باستانی لیان، به دست یکی دیگر از جباران و ستمروایان تاریخ درهم پیچیده شد و خاطر گنگ و مه‌آلودی از آن، در تاریخ برجای ماند.

پی نوشت:

- ۱- ویلسون، سر. آرنولد، خلیج فارس، ترجمه محمد سمیدی انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ دوم تهران سال ۱۳۶۶ ص ۸۵
- ۲- همانجا ص ۸۵
- ۳- همانجا ص ۸۵
- ۴- امیه، پیر تاریخ عیلام، ترجمه شیرین بیانی، انتشارات دانشگاه تهران چاپ اول، تهران ۱۳۴۹ صفحه ۲
- ۵- ترجمه کتاب مقدس، عهد عتیق، سفر پیدایش
- ۶- تاریخ عیلام، صفحه ۲
- درباره تاریخ تمدن و فرهنگ عیلام علاوه بر کتاب بالا نگاه کنید به: الف- کامرون، جورج، ایران در سپیددم تاریخ، ترجمه حسن انوشه، انتشارات علمی و فرهنگی، چاپ اول تهران سال ۱۳۶۶
- ب- گریشمن، رومن، ایران از آغاز تا اسلام، ترجمه دکتر محمد معین، انتشارات علمی و فرهنگی چاپ ششم، تهران ۱۳۶۶
- ۷- متن و آدرس فرانسوی کتاب این است.

Mission a Bendre-Bouchir
Documents Archeologiques et epigraphiques, paris.
Ernest Leroux Editeur, 28, Rue Bonaparte, 28, 1919.

- ۸- اقتداری، احمد، آثار شهرهای باستانی سواحل و جزایر خلیج فارس و دریای عمان، انجمن آثار ملی چاپ اول تهران ۱۳۴۸ صفحه ۲ تا ۱۸۱
- ۹- حسینی فسائی، حاج میرزا حسن، فارسنامه ناصری، تصحیح و تحشیه دکتر منصور رستگار فسائی، امیر کبیر، چاپ اول تهران ۱۳۶۷ جلد دوم صفحه ۳۵ تا ۱۳
- ۱۰- خلف تبریزی، محمد حسن، برهان قاطع به اهتمام دکتر محمد معین، امیر کبیر جلد سوم صفحه ۱۹۱۹
- ۱۱- دکتر معین، محمد، فرهنگ فارسی، امیر کبیر، چاپ هفتم، تهران ۱۳۶۴ جلد سوم صفحه ۳۶۳
- ۱۲- ایران از آغاز تا اسلام ص ۳۹
- ۱۳- تا ۲۴ ایران در سپیددم تاریخ، صفحات مختلف
- ۲۵- همانجا صفحه ۲۸
- ۲۶- اداره فرهنگ و هنرستان استان بوشهر - بوشهر را بهتر بشناسیم، چاپ اول، ۱۳۵۶
- ۲۷- ایران در سپیددم تاریخ، صفحه ۹ تا ۹۸
- ۲۸- همانجا صفحه ۱۰۱



ساغر عیلامی از جنس قبر طبیعی. اوائل هزاره سوم قبل از میلاد.